

به نام خدا



عنوان گزارش:

پیوند انرژی و ژئوپلیتیک در چارچوب کریدور هند-اروپا - خاورمیانه (IMEC)

مؤسسه مطالعات بین المللی انرژی

۱۴۰۴



چکیده:

امروزه، چشم‌انداز جهانی انرژی در حال تجربه تحولی عمیق است که تحت تأثیر پویایی‌های ژئوپلیتیکی، پیشرفت‌های فناوریانه و تأکید فزاینده بر پایداری شکل گرفته است. در مرکز این تحول، توسعه پروژه‌های بین‌المللی مرتبط با زیرساخت انرژی قرار دارد که به میدان‌های اصلی رقابت برای نفوذ ژئوپلیتیکی و قدرت اقتصادی تبدیل شده‌اند. کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا (IMEC) نیز گواهی بر این رقابت راهبردی است و پیچیدگی‌ها و جاه‌طلبی‌های کشورهایی را که در پی امنیت انرژی، توسعه اقتصادی و برتری منطقه‌ای هستند، منعکس می‌کند.

در سپتامبر ۲۰۲۳، در اجلاس G۲۰ در دهلی نو، یک ابتکار بلندپروازانه اعلام شد: ایجاد کریدور هند-خاورمیانه-اروپا (IMEC)؛ کریدوری اقتصادی با حمایت ایالات متحده. این ابتکار با هدف اتصال هند، خاورمیانه و اروپا از طریق زیرساخت‌های پیشرفته حمل‌ونقل و انرژی و تقویت همکاری در حوزه‌های تجارت، اقتصاد، انرژی و امنیت میان تمامی کشورهای شریک طراحی شده است. انتظار این است که کریدور اقتصادی IMEC مزایای اقتصادی قابل توجهی ایجاد کند و روابط ژئوپلیتیکی میان کشورهای مشارکت‌کننده را بهبود بخشد. با این حال، موفقیت پروژه به همکاری منطقه‌ای بستگی دارد که نیازمند ثبات سیاسی است. تنش‌های ژئوپلیتیکی میان قدرت‌های بزرگ می‌تواند باعث رقابت بر سر حوزه‌های نفوذ شود، به ویژه در مواجهه با ابتکاراتی مانند «جاده ابریشم جدید چین» یا BRI. علاوه بر این، هرچند پیشرفت پروژه مشروط به نرمال‌سازی کامل روابط بین رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی نیست، اما نیازمند هماهنگی و همکاری مؤثر مستمر میان این کشورها خواهد بود. در این گزارش به بررسی اهمیت ژئوپلیتیکی کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا در چارچوب توسعه زیرساخت‌های انرژی جهانی پرداخته‌ایم. مطالعات نشان می‌دهد که این کریدور نه تنها منابع و مسیرهای انرژی را متنوع می‌سازد، بلکه آرایش اتحادهای ژئوپلیتیکی و وابستگی‌های اقتصادی در آسیا و فراتر از آن را نیز بازپیکربندی می‌کند.

مقدمه:

کنترل و عرضه منابع انرژی همواره نقشی محوری در شکل‌دهی به چشم‌انداز ژئوپلیتیکی داشته است. تعامل میان کشورهایی که دارای وفور منابع انرژی‌اند و از آن به عنوان ابزاری برای اهرم دیپلماتیک استفاده می‌کنند، با کشورهایی که دچار کمبود انرژی‌اند و به دنبال تنوع‌بخشی به منابع و تضمین امنیت و ثبات در تأمین انرژی هستند، منجر به



شکل‌گیری اتحادها و زیرساخت‌هایی فرامرزی شده است. روند جهانی شدن و فشار برای یکپارچگی اقتصادی، اهمیت راهبردی زیرساخت‌های انرژی را بیش از پیش برجسته کرده است. در این بستر، کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا صرفاً درباره ساخت زیرساخت فیزیکی نیست، بلکه درباره ایجاد بنیان برای بازآرایی راهبردی دینامیک قدرت جهانی در قرن بیست و یکم است. IMEC به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابتکارات اتصال منطقه‌ای و جهانی در سال‌های اخیر مطرح شده است. این طرح، با هدف ایجاد یک مسیر چندوجهی حمل‌ونقل و انرژی طراحی شده است که از هند آغاز می‌شود، از کشورهای خاورمیانه عبور می‌کند و در نهایت به اروپا می‌رسد. کریدور شامل خطوط کشتیرانی، شبکه‌های ریلی مدرن، خطوط لوله انرژی و زیرساخت‌های دیجیتال است و اهداف آن کاهش زمان و هزینه تجارت بین سه منطقه را کاهش داده، تنوع و تقویت زنجیره‌های تأمین و همگرایی اقتصادی بیشتر میان کشورها است.

نقش انرژی در این طرح محوری است. IMEC نه تنها برای انتقال کالا طراحی شده، بلکه قرار است به‌عنوان یک «کریدور انرژی» عمل کند. انتقال گاز طبیعی، هیدروژن سبز و برق بخشی از این چشم‌انداز است. کشورهای خاورمیانه که هم ذخایر عظیم سوخت‌های فسیلی دارند و هم در سال‌های اخیر در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر فعال‌تر شده‌اند، پلی میان تقاضای رو به رشد انرژی در هند و نیاز اروپا به تنوع بخشی به منابع انرژی خود محسوب می‌شوند. در نتیجه، IMEC می‌تواند روابط سنتی تولیدکننده-مصرف‌کننده را به مشارکت‌های پایدارتر و راهبردی‌تر تبدیل کند.

از منظر ژئوپلیتیکی، IMEC پاسخی به تحولات جهانی و رقابت قدرت‌های بزرگ محسوب می‌شود. بسیاری آن را جایگزین یا مکملی برای ابتکار «کمربند و جاده چین» می‌دانند که با تأکید بر شفافیت، پایداری و منافع مشترک تعریف شده است. برای هند، این طرح ابزاری برای گسترش نفوذ راهبردی به خاورمیانه و اروپا محسوب می‌شود. برای کشورهای عربی خلیج فارس، فرصتی برای تنوع بخشی اقتصادی و تبدیل شدن به مراکز ترانزیت انرژی و کالا فراهم می‌آورد. برای اروپا، IMEC راهی برای کاهش وابستگی به روسیه و افزایش امنیت انرژی پس از جنگ اوکراین است. ایالات متحده و اتحادیه اروپا نیز آن را ابزاری برای تحکیم اتحادها و کاهش نفوذ رقبای ژئوپلیتیکی می‌دانند.

با وجود فرصت‌ها، چالش‌هایی همچون بی‌ثباتی منطقه‌ای، نیاز به سرمایه‌گذاری‌های سنگین و هماهنگی منافع متنوع کشورها پابرجاست. اما در مجموع، IMEC نه تنها یک مسیر فیزیکی بلکه چارچوبی سیاسی-اقتصادی برای همکاری‌های بین منطقه‌ای در دوران عدم قطعیت جهانی است و می‌تواند آینده روابط انرژی، تجارت و ژئوپلیتیک را در سه قاره شکل دهد.



تحلیل و ارزیابی:

۱. معرفی IMEC و اهداف آن

کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا (IMEC) در سپتامبر ۲۰۲۳ و در جریان اجلاس گروه ۲۰ رونمایی شد. این طرح یک ابتکار چندوجهی برای تقویت اتصال میان آسیا، خاورمیانه و اروپا است که از دو شاخه اصلی تشکیل می‌شود: محور شرقی-غربی که هند را به خلیج فارس متصل می‌کند، و محور شمالی-جنوبی که کشورهای عربی را به بنادر اروپایی پیوند می‌دهد. طراحی کریدور به گونه‌ای است که حمل‌ونقل دریایی، شبکه ریلی سریع‌السیر، خطوط لوله انرژی و زیرساخت دیجیتال را درهم می‌آمیزد تا یک مسیر کارآمد، سریع و ایمن برای تجارت جهانی فراهم آورد.

اهداف IMEC صرفاً اقتصادی نیست. این طرح در پی ایجاد الگویی تازه برای همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی است؛ الگویی که در آن هند با ظرفیت‌های صنعتی و فناوری، خاورمیانه با منابع انرژی و سرمایه مالی، و اروپا با بازارهای بزرگ و توان نوآوری، به هم پیوند می‌خورند. چنین همگرایی‌ای می‌تواند به کاهش هزینه‌های تجارت، افزایش امنیت عرضه، و شکل‌گیری زنجیره‌های تأمین پایدارتر منجر شود.

یکی دیگر از جنبه‌های محوری راهبرد ژئوپلیتیکی IMEC، تسهیل نزدیکی میان رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی است؛ حرکتی که پس از تلاش‌های دیپلماتیک چین در منطقه، به‌ویژه میان ایران و عربستان سعودی، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. گرم‌تر شدن روابط عربستان و رژیم صهیونیستی، که با گام‌های تدریجی به‌سوی همکاری آشکار شده است، پشتوانه‌ای برای جاه‌طلبی‌های گسترده‌تر این کریدور محسوب می‌شود. این امر شامل بهره‌گیری از توسعه زیرساخت برای پیشبرد صلح و تنوع‌بخشی اقتصادی است، به‌ویژه در چارچوب چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان که هدف آن کاهش وابستگی این کشور به نفت است.

در بحبوحه افزایش سرمایه‌گذاری‌های چین در خاورمیانه، که نمونه آن توافقی‌های اقتصادی گسترده و تغییرات بالقوه در پویایی تجارت نفت است، IMEC به‌عنوان یک موازنه راهبردی پدیدار می‌شود. این ابتکار در پی بازتنظیم مسیرهای سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های اقتصادی است و کشورهایی مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی را ترغیب می‌کند تا مشارکت‌های سرمایه‌گذاری خود را بازنگری کرده و بیشتر با منافع غرب همسو شوند. قابلیت اجرایی



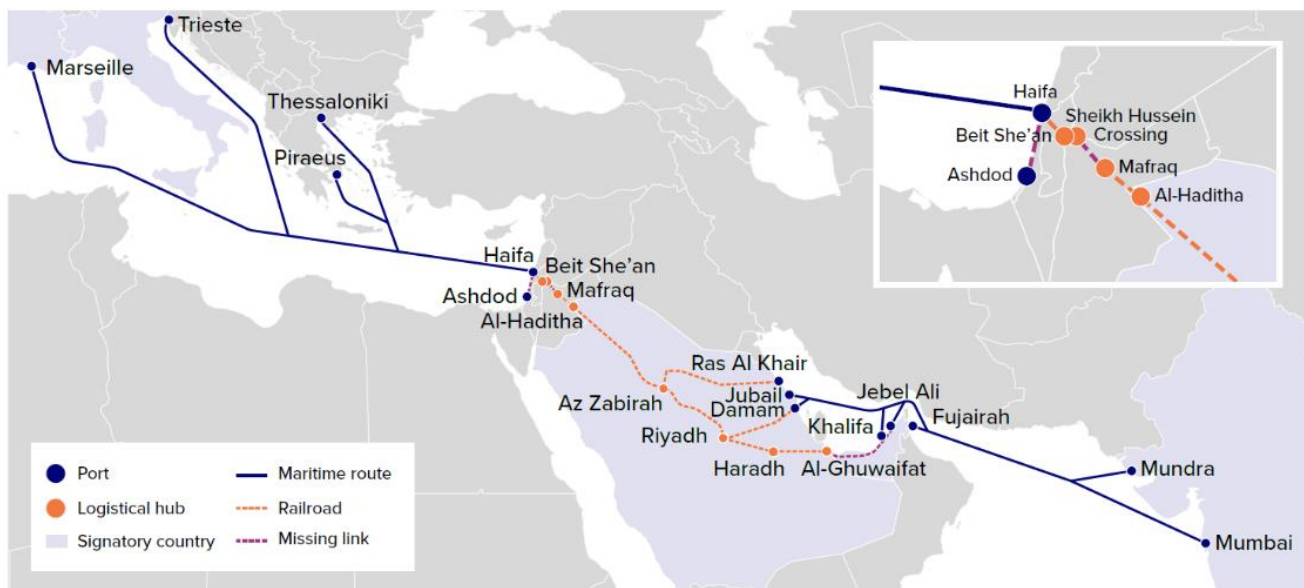
کریدور با توسعه‌های گسترده زیرساختی، همچون پروژه اتحاد ریل (Etihad Rail) در امارات متحده عربی^۱ برجسته می‌شود. این ابتکار با هدف تقویت اتصال لجستیکی در سراسر منطقه، از قابلیت عملیاتی و اقتصادی کریدور پشتیبانی می‌کند. روابط تجاری رو به رشد، به‌ویژه میان هند و امارات که شاهد رشد چشمگیری بوده است، بیش از پیش منطق اقتصادی این کریدور را تقویت می‌کند.

کریدور IMEC روابط اقتصادی و راهبردی میان کشورهای مشارکت‌کننده را تقویت کرده و همکاری جهانی را ارتقا می‌دهد. هند شاهد بهبود لجستیک و افزایش صادرات خواهد بود که به ادغام عمیق‌تر در زنجیره‌های ارزش جهانی کمک می‌کند. اتحادیه اروپا با کاهش وابستگی به کانال سوئز، هزینه‌های حمل‌ونقل را کاهش داده و تجارت با هند را تسریع می‌کند، در حالی که حضور ژئوپلیتیکی خود را در خلیج فارس تقویت کرده و از چین و روسیه فاصله می‌گیرد. کشورهای خلیج فارس از افزایش اتصال و پروژه‌های نوآورانه سود خواهند برد که به روابط اقتصادی قوی‌تر و ثبات منطقه‌ای بیشتر منجر می‌شود. ایالات متحده نفوذ راهبردی خود در آسیا را تقویت کرده و مسیرهای تجاری جدیدی برای مقابله با سلطه چین ایجاد می‌کند و از یک سیستم تجارت جهانی به‌هم‌پیوسته پشتیبانی خواهد کرد. رژیم اسرائیل از مسیرهای تجاری بهتر بهره‌مند می‌شود، روابط خود را با اروپا و کشورهای خلیج فارس تقویت می‌کند و از طریق عادی‌سازی با کشورهای عربی به امنیت و همکاری منطقه‌ای کمک خواهد کرد. به‌طور کلی، کریدور IMEC وعده افزایش وابستگی متقابل اقتصادی و تقویت همکاری‌های بین‌المللی را می‌دهد.

^۱ بخشی از یک برنامه ریلی ۱۰۰ میلیارد دلاری شورای همکاری خلیج فارس



تصویر ۱: مسیر پیشنهادی کریدور هند- خاورمیانه- اروپا: یک شبکه چندمنظوره انرژی، حمل و نقل و حوزه دیجیتال



SOURCE: <https://www.atlanticcouncil.org/in-depth-research-reports/report/the-india-middle-east-europe-economic-corridor-connectivity-in-an-era-of-geopolitical-uncertainty/>

۲. پیش‌زمینه ژئوپلیتیکی و انگیزه‌ها

ظهور IMEC بدون توجه به زمینه ژئوپلیتیکی آن قابل درک نیست. این ابتکار در شرایطی مطرح شد که رقابت قدرت‌های بزرگ، تغییرات بازار انرژی و بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای بر سیاست جهانی سایه انداخته بود. چین از طریق «کمربند و جاده» نفوذ گسترده‌ای در آسیا، آفریقا و اروپا پیدا کرده و ایالات متحده و متحدان اروپایی به دنبال ایجاد جایگزینی معتبر برای این پروژه بودند.

به همین دلیل، IMEC فراتر از یک پروژه زیربنایی است: این طرح بازتاب‌دهنده رقابت‌های ژئوپلیتیکی، تلاش برای تنوع‌بخشی به روابط اقتصادی، و جستجوی راه‌حل‌های پایدار برای امنیت انرژی جهانی است.

با برجسته‌سازی پروژه‌های کلیدی زیرساخت انرژی در چارچوب این کریدور، می‌توان نقش آن را به‌عنوان یک ابزار ژئوپلیتیکی تشخیص داد؛ ابزاری که به‌ویژه با هدف مقابله با سیاست توسعه‌طلبانه چین طراحی شده است. شکل‌گیری راهبردی IMEC تنها به تقویت امنیت انرژی محدود نمی‌شود، بلکه هدف آن ایجاد یک وزنه تعادل در صفحه شطرنج بزرگ ژئوپلیتیک جهانی است.



پروژه‌های زیرساخت انرژی مانند خطوط لوله، پالایشگاه‌ها و بنادر صرفاً دارایی‌های اقتصادی نیستند؛ آن‌ها ابزارهای قدرتمند راهبرد ژئوپلیتیکی اند. این پروژه‌ها توانایی شکل‌دهی به اتحادها، تعریف چشم‌انداز ژئوپلیتیک و تأثیرگذاری بر محاسبات راهبردی کشورها را دارند. با ایجاد مسیرهای جایگزین برای حمل‌ونقل نفت و گاز طبیعی از خاورمیانه به اروپا از طریق هند، IMEC در پی کاهش وابستگی اروپا و هند به گلوگاه‌های دریایی آسیب‌پذیر و مسیرهایی است که در حال حاضر تحت سلطه نفوذ چین قرار دارند. این تنوع‌بخشی در عصری که امنیت انرژی مترادف با امنیت ملی است، اهمیتی حیاتی دارد.

۳. انرژی در کریدور هند-خاورمیانه-اروپا (IMEC): ستون همگرایی راهبردی، امنیتی و زیرساختی

• انرژی به عنوان محور راهبردی همکاری

در شرایطی که جهان در حال گذار از عصر سوخت‌های فسیلی به سمت انرژی‌های کم‌کربن است و اروپا نیز در پی کاهش وابستگی خود به گاز روسیه است، IMEC نقشی فراتر از تجارت کالا ایفا می‌کند: این کریدور بستی برای بازتنظیم نقشه‌ی انرژی اوراسیا و ایجاد مسیرهای امن، کوتاه و چندمنظوره میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان انرژی است. از همان ابتدا روشن بود که انرژی قلب تپنده‌ی IMEC خواهد بود. هدف پروژه، نه فقط انتقال کالا، بلکه ایجاد بستر فیزیکی و دیجیتال برای جابه‌جایی LNG، هیدروژن سبز، برق پاک، و داده‌های انرژی است. سه گروه از کشورها از این مسیر بهره‌مند می‌شوند:

• اروپا، که به دنبال مسیرهای متنوع برای جایگزینی واردات انرژی از روسیه است.

• هند، که برای رشد صنعتی خود به انرژی پایدار و ارزان‌تر نیاز دارد.

• کشورهای خلیج فارس، که می‌کوشند با صادرات هیدروژن و برق پاک، موقعیت خود را در اقتصاد انرژی آینده تثبیت کنند.



در این میان، انرژی تنها یک «محصول» نیست؛ بلکه «زبان مشترک همکاری اقتصادی و امنیتی» میان سه منطقه محسوب می‌شود. زیرساخت‌های انرژی، از خطوط لوله تا کابل‌های برق، از بنادر LNG تا شبکه‌های فیبر نوری، ابزارهای فیزیکی شکل‌گیری این همکاری هستند.

• بازتعریف معماری انرژی اوراسیا

IMEC را باید پاسخی ساختاری به دو بحران جهانی دانست: بحران امنیت عرضه‌ی انرژی و بحران اقلیمی. از یک‌سو، جنگ اوکراین نشان داد که تکیه بر مسیرها و منابع محدود تا چه اندازه آسیب‌پذیر است. از سوی دیگر، فشار برای کاهش انتشار کربن، نیاز به مسیرهای جدید انرژی پاک را افزایش داده است. در چنین بستری، IMEC می‌تواند به «کریدور متنوع انرژی» تبدیل شود که هم حامل گاز طبیعی و LNG است و هم برق و هیدروژن سبز.

از منظر ژئوپلیتیکی، این مسیر، آسیای جنوبی را به خاورمیانه و اروپا متصل می‌کند و سه حلقه‌ی کلیدی زنجیره‌ی انرژی جهانی را به‌صورت فیزیکی و نهادی در کنار هم قرار می‌دهد. چنین اتصال چندسطحی، هم امنیت عرضه برای واردکنندگان بزرگ مانند اروپا و هند را تقویت می‌کند، و هم بازارهای صادراتی پایدار برای تولیدکنندگان خلیج فارس، اسرائیل و مصر فراهم می‌سازد.

به‌ویژه در بخش LNG و گاز طبیعی، این کریدور می‌تواند مسیرهای انتقال را کوتاه و هزینه‌ها را کاهش دهد. به‌جای انتقال LNG از خلیج فارس از طریق کانال سوئز یا دور زدن آفریقا، مسیر زمینی و دریایی از بنادر خلیج فارس به مدیترانه و سپس اروپا، می‌تواند زمان انتقال را تا ۴۰٪ کاهش دهد. چنین ظرفیتی، در بلندمدت بر قیمت‌نهایی گاز وارداتی در اروپا نیز اثرگذار خواهد بود.

• IMEC و نقش آن در زنجیره جهانی LNG

از دیدگاه حوزه انرژی، LNG نقطه تلاقی منافع هند، اروپا و خاورمیانه است. اروپا پس از ۲۰۲۲ به‌سرعت به واردکننده عمده LNG تبدیل شد، در حالی که هند در حال تبدیل‌شدن به یکی از بزرگ‌ترین بازارهای مصرف LNG در آسیاست. کشورهای خلیج فارس – به‌ویژه قطر، عربستان و امارات – در تلاش‌اند تا نقش محوری خود را در عرضه جهانی LNG تثبیت کنند.

IMEC می‌تواند حلقه اتصال این سه بازار باشد. بنادر خلیج فارس مانند فجیره و راس‌لافان می‌توانند مراکز مایع‌سازی و صادرات باشند؛ بنادر مدیترانه‌ای مانند حیفا، پیره، و مارسی‌هاب‌های بازگازسازی؛ و زیرساخت‌های اروپایی، مقاصد

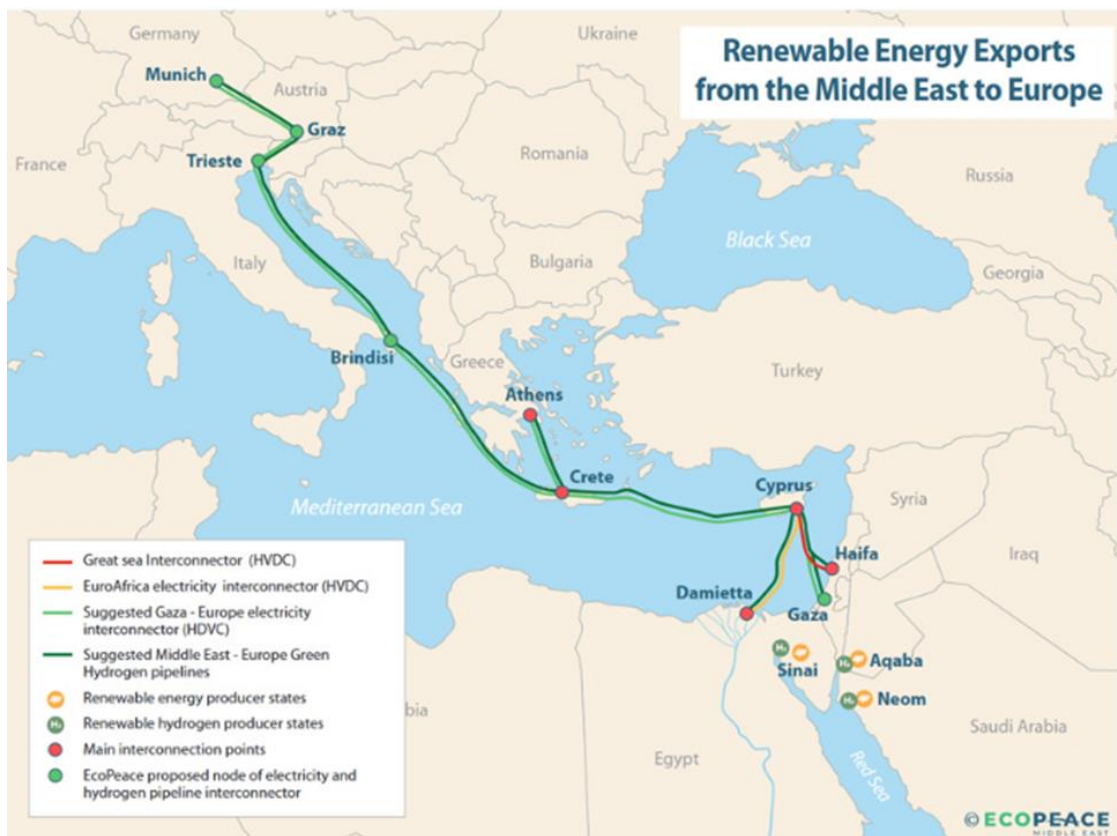


مصرف. این مسیر کوتاه‌تر و امن‌تر از مسیرهای عبور از تنگه هرمز تا شمال اروپا است. افزون بر آن، بخشی از LNG می‌تواند به عنوان خوراک تولید هیدروژن آبی یا سبز در خاورمیانه یا هند استفاده شود و در قالب آمونیاک به اروپا صادر گردد، که مکمل مسیر انرژی پاک در IMEC خواهد بود.

در گام بعدی، IMEC نه فقط مسیر گاز، بلکه بستر توسعه‌ی انرژی‌های تجدیدپذیر است. با توجه به تابش بالا در عربستان، عمان و راجستان هند، پروژه‌های خورشیدی و بادی عظیمی در دست طراحی است که تولید برق و هیدروژن سبز را هدف گرفته‌اند. هیدروژن سبز می‌تواند از طریق خطوط لوله‌ی جدید، یا در قالب آمونیاک از بنادر خلیج فارس و هند به بنادر مدیترانه منتقل شود. اروپا، که هدف خود را استفاده از ۲۰ میلیون تن هیدروژن پاک تا ۲۰۳۰ تعیین کرده، نیازمند چنین مسیرهایی است.

در سطح برق، اتصال شبکه‌ها با کابل‌های HVDC زیرآبی میان خلیج فارس، مصر و جنوب اروپا، تعادل بار و صادرات برق پاک را تسهیل می‌کند. این خطوط، امکان انتقال مستقیم برق خورشیدی از شبه‌جزیره عربستان یا صحرای هند به اروپا را فراهم می‌کنند و می‌توانند بخشی از نوسانات فصلی تولید انرژی تجدیدپذیر را جبران کنند.

شکل ۲: صادرات انرژی های تجدیدپذیر از خاورمیانه به اروپا



SOURCE: <https://ecopeaceme.org/2025/07/16/our-new-path-to-sustainability-the-imec-peace-triangle>

• زیرساخت‌های فیزیکی: از بنادر تا خطوط اتصال اروپا

IMEC متکی بر دو محور فیزیکی است:

• مسیرهای زمینی شامل خطوط لوله و شبکه ریلی از هند تا اسرائیل و سپس به اروپا. این مسیرها برای انتقال گاز، برق و حتی هیدروژن به صورت فشرده طراحی می‌شوند.

• مسیرهای دریایی از خلیج فارس به مدیترانه که از طریق بنادر حيفا، پیره، مارسى و تريسته به شبکه اروپایی TEN-T متصل می‌شوند.



بندر حيفا (Haifa) به عنوان نقطه‌ی کلیدی اتصال آسیای جنوبی و مدیترانه، ظرفیت تبدیل شدن به «هاب انرژی شرق مدیترانه» را دارد. از سوی دیگر، ماری و پیره، دروازه‌های جنوبی شبکه انتقال برق و گاز اروپا هستند. ترکیب این مسیرها با زیرساخت TEN-T، یعنی یکپارچه‌سازی شبکه‌های حمل و نقل، انرژی و دیجیتال اروپا و خاورمیانه.

• اثرات اقتصادی و مزیت‌های رقابتی

IMEC می‌تواند به صورت مستقیم بر کاهش هزینه انرژی، افزایش امنیت عرضه و ایجاد اشتغال اثر بگذارد. برآوردهای اولیه نشان می‌دهد که اتصال زمینی و دریایی انرژی میان هند و اروپا می‌تواند زمان ترانزیت انرژی تا ۴۵٪ و هزینه حمل تا ۳۰٪ کاهش دهد. از منظر توسعه منطقه‌ای، کشورهای خاورمیانه، به‌ویژه عربستان و امارات، فرصت دارند تا از صادرکننده‌ی مواد خام انرژی به ارائه‌دهنده‌ی خدمات انرژی پاک و فناوری‌های زیرساختی تبدیل شوند. برای هند، این کریدور به معنای تثبیت موقعیت آن به عنوان مصرف‌کننده و ترانزیت‌کننده‌ی کلیدی است. برای اروپا نیز، تنوع عرضه و کاهش آسیب‌پذیری در برابر فشارهای ژئوپلیتیکی، دستاوردی حیاتی است. هم‌زمان، همکاری میان هند، اسرائیل و کشورهای عربی در قالب یک پروژه انرژی مشترک، نشانه‌ای از گذار از رقابت به همگرایی اقتصادی در خاورمیانه است. این همکاری می‌تواند پیامدهایی بلندمدت برای ثبات منطقه و شکل‌گیری نظم اقتصادی جدید مبتنی بر انرژی و فناوری داشته باشد.

• فناوری، دیجیتال‌سازی و مدیریت شبکه

یکی از ابعاد کمتر دیده‌شده IMEC، پیوند انرژی با فناوری دیجیتال است. در کنار خطوط انرژی، کابل‌های فیبر نوری و مراکز داده نیز طراحی شده‌اند تا داده‌های انرژی را بلادرنگ منتقل و شبکه‌ها را هوشمند کنند. استفاده از فناوری‌های هوش مصنوعی برای مدیریت تقاضا، ذخیره‌سازی و توزیع انرژی در این شبکه، بهره‌وری سیستم را افزایش می‌دهد و انتشار کربن را کاهش می‌دهد. با این حال، این دیجیتال‌سازی شدن مستلزم تدوین استانداردهای مشترک امنیت سایبری است تا از حملات یا اختلالات در شبکه جلوگیری شود.

در عین حال، اجرای موفق IMEC نیازمند یک چارچوب نهادی منسجم است. ایجاد دبیرخانه هماهنگی انرژی و زیرساخت میان کشورهای عضو، طراحی قراردادهای خرید بلندمدت (offtake agreements) و ابزارهای پوشش ریسک، برای جذب سرمایه‌گذاران خصوصی ضروری است. در گام نخست، پروژه‌های با بازده سریع مانند اتصال برق و شبکه فیبر نوری باید در اولویت قرار گیرند، سپس توسعه زیرساخت‌های پرهزینه‌تر مانند خطوط لوله هیدروژن و تأسیسات ذخیره‌سازی LNG آغاز شود.



کریدور IMEC، در صورت تحقق کامل، می‌تواند به یکی از ستون‌های نوین نظم انرژی قرن بیست و یکم تبدیل شود: نظامی که در آن امنیت انرژی، پایداری زیست‌محیطی و همکاری فناورانه به جای رقابت منابع می‌نشیند. این کریدور با ترکیب انرژی سنتی (LNG و گاز) و حامل‌های نو (هیدروژن، برق پاک)، به همراه زیرساخت‌های دیجیتال و حمل‌ونقل، الگویی از همگرایی چندوجهی میان هند، خاورمیانه و اروپا ارائه می‌دهد. پایداری موفقیت این پروژه اما وابسته به حکمرانی شفاف، جذب سرمایه‌گذاری خصوصی، و توازن سیاسی میان بازیگران منطقه‌ای است. اگر این پیش‌شرط‌ها مهیا شوند، IMEC نه تنها مسیر انرژی بلکه مسیر همگرایی اقتصادی و ژئوپلیتیکی آینده‌ی اوراسیا خواهد بود.

۴. چالش‌ها و موانع پیش‌روی کریدور هند-خاورمیانه-اروپا (IMEC)

کریدور هند-خاورمیانه-اروپا (IMEC) به‌عنوان یک پروژه راهبردی با هدف تقویت همکاری‌های اقتصادی، انرژی و زیرساختی میان هند، کشورهای حوزه خلیج فارس و اروپا، با چالش‌ها و موانع متعددی روبه‌رو است که تحقق اهداف آن را با دشواری مواجه می‌سازد. این چالش‌ها در چهار حوزه اصلی -سیاسی-امنیتی، مالی-سرمایه‌گذاری، رقابتی و فنی قابل دسته‌بندی هستند.

• چالش‌های سیاسی و امنیتی

یکی از بزرگ‌ترین موانع پیش‌روی IMEC، عدم ثبات سیاسی و امنیتی در برخی از کشورهای مسیر این کریدور است. جنگ‌ها، اختلافات منطقه‌ای و تنش‌های موجود میان کشورهای مختلف می‌تواند بر روند اجرایی پروژه تأثیر منفی بگذارد. به‌عنوان مثال، تنش‌های میان ایران و کشورهای عربی، اختلافات ارضی در منطقه و تهدیدات امنیتی می‌تواند بر امنیت مسیرهای ترانزیتی و زیرساخت‌های مرتبط تأثیر بگذارد.

علاوه بر این، حمایت‌های سیاسی از سوی کشورهای مختلف برای این پروژه ضروری است تا بتوان به‌صورت هماهنگ و مؤثر به اهداف تعیین شده دست یافت.

• نیاز به سرمایه‌گذاری عظیم و مشارکت بخش خصوصی

اجرای پروژه‌های بزرگ زیرساختی مانند IMEC نیازمند سرمایه‌گذاری‌های کلان است. تأمین منابع مالی برای ساخت و توسعه زیرساخت‌های مورد نیاز، از جمله خطوط لوله، شبکه‌های برق و حمل‌ونقل، نیازمند مشارکت بخش



خصوصی و بین‌المللی است. این مشارکت‌ها می‌توانند از طریق سرمایه‌گذاری‌های مستقیم، مشارکت‌های عمومی-خصوصی و تأمین مالی از سوی نهادهای بین‌المللی صورت پذیرد. بدون تأمین منابع مالی کافی، تحقق اهداف پروژه با مشکل مواجه خواهد شد.

• رقابت با پروژه‌های دیگر مانند BRI چین و تأثیر آن بر نفوذ منطقه‌ای

پروژه‌های بزرگ دیگری مانند ابتکار کمربند و جاده (BRI) چین نیز در حال توسعه هستند که می‌توانند با IMEC رقابت کنند. این رقابت‌ها می‌تواند بر نفوذ منطقه‌ای کشورهای مشارکت‌کننده در IMEC تأثیر بگذارد و موجب تضعیف همکاری‌های منطقه‌ای شود. به علاوه، کشورهای مختلف ممکن است به دلیل وابستگی‌های اقتصادی و سیاسی به پروژه‌های دیگر، تمایل کمتری به مشارکت در IMEC داشته باشند.

• مسائل فنی و استانداردسازی خطوط لوله و شبکه‌های انرژی

اجرای پروژه‌های زیرساختی بزرگ نیازمند هماهنگی فنی و استانداردسازی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است. تفاوت‌های فنی در طراحی، ساخت و بهره‌برداری از خطوط لوله، شبکه‌های برق و سیستم‌های حمل‌ونقل می‌تواند موجب مشکلاتی در یکپارچگی و کارایی سیستم‌ها شود. علاوه بر این، مسائل مرتبط با محیط‌زیست، ایمنی و تأثیرات اجتماعی پروژه‌ها نیز باید مورد توجه قرار گیرد تا از بروز مشکلات در مراحل اجرایی جلوگیری شود.

بنابراین، کارآمدی کریدور IMEC در دستیابی به اهدافش تا حد زیادی به جذب سرمایه‌گذاری‌های قابل‌توجه از سوی شرکای کلیدی بستگی دارد. در حالی که این ابتکار از دل عدم قطعیت‌های سیاسی عبور می‌کند، انتظار می‌رود سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی به تدریج تحقق یابند و توسعه و تأثیرگذاری این کریدور را تقویت کنند. در حال حاضر، IMEC به دلیل ادامه درگیری میان اسرائیل و حماس متوقف شده است. سرریز شدن جنگ اسرائیل-حماس به منطقه گسترده‌تر، یک واقعیت تلخ برای این پروژه به شمار می‌آید.^۱ بر اساس گزارش «ابتکار پژوهش تجارت جهانی»، این درگیری می‌تواند باعث تأخیر در اجرای IMEC و همچنین صلح احتمالی میان اسرائیل و عربستان سعودی شود این مسئله همین حالا نیز بر روابط اقتصادی و سیاسی اسرائیل با خاورمیانه سایه انداخته است. کشورهای مشارکت‌کننده نتوانسته‌اند هیچ برنامه اقدام قدرتمندی را به تصویب برسانند.

در میان کشورهای خاورمیانه نگرانی‌هایی پیرامون IMEC وجود دارد، چرا که ممکن است این کریدور برخی موقعیت‌های راهبردی آن‌ها را دور بزند. افزودن برخی کشورهای جغرافیایی کلیدی مانند عراق، عمان و ترکیه



می‌توانست به متنوع‌تر شدن پروژه کمک کرده و آن‌ها را به‌عنوان بنادر ترانزیتی وارد بازی کند. مصر، IMEC را رقیبی بالقوه برای کانال سوئز سودآورش می‌بیند، در حالی که ترکیه یک خط ریلی از طریق بصره و عراق را نه تنها عملی بلکه مفید در تقویت نقش خود به‌عنوان پل ارتباطی آسیا و اروپا قلمداد می‌کند.

در آینده، کشورهای آسیای مرکزی که به‌طور سنتی تحت نفوذ روسیه بوده‌اند و پیوندشان به چین روزبه‌روز از طریق ابتکار کمربند و جاده بیشتر می‌شود، می‌توانند از IMEC به‌عنوان یک موازنه ژئوپلیتیکی استفاده کنند. با مشارکت در این کریدور، کشورهایی چون قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان قادر خواهند بود مشارکت‌های اقتصادی خود را متنوع کرده و وابستگی‌شان به چین در زمینه تجارت و توسعه زیرساخت‌ها را کاهش دهند. این تنوع‌بخشی به آن‌ها اجازه می‌دهد در سیاست خارجی و راهبردهای اقتصادی خود خودمختاری بیشتری داشته باشند و در برابر زیاده‌خواهی احتمالی هر قدرت منفردی مصون بمانند.

با این حال، موفقیت این کریدور به عوامل گوناگونی بستگی دارد، از جمله همکاری ژئوپلیتیکی، مقرون‌به‌صرفه بودن، و ادغام زیرساخت‌های موجود همچون «کریدور بین‌المللی حمل‌ونقل شمال-جنوب». در روند توسعه IMEC، انتخاب هوشمندانه بنادر کلیدی و ایجاد پیوند مؤثر میان شبکه‌های ریلی کشورهای عضو، برای تمایز این کریدور از ابتکاراتی چون BRI ضروری است و می‌تواند موقعیت آن را به‌عنوان یکی از طرح‌های تحول‌آفرین در عرصه انرژی و ژئوپلیتیک جهانی تقویت کند.

این پروژه مجموعه‌ای از منافع اقتصادی بالقوه را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به‌ویژه از طریق کاهش هزینه و افزایش سرعت حمل‌محموله ارائه می‌دهد. اما برای تحقق چنین اهدافی، باید چالش‌های سیاسی بالقوه پیرامون این پروژه مورد رسیدگی قرار گیرند.

جمع‌بندی:

کریدور هند-خاورمیانه-اروپا در حال شکل‌گیری است تا به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین طرح‌های راهبردی قرن بیست‌ویکم، نقشه انرژی و ترانزیت جهانی را بازتعریف کند. در قلب این پروژه، انتقال و تنوع‌بخشی انرژی قرار دارد: از خطوط لوله گاز و هیدروژن گرفته تا زیرساخت‌های برق، بندرها و مسیرهای ریلی که می‌توانند آسیای جنوبی را به بازارهای مصرفی اروپا پیوند دهند. این مسیر، نه تنها ظرفیت جایگزینی بخشی از جریان انرژی روسیه به اروپا را



دارد، بلکه با اتصال خلیج فارس و شرق مدیترانه به شبه‌قاره هند، به یک مسیر مکمل برای حمل LNG، نفت خام، و حامل‌های نوین انرژی مانند آمونیاک و هیدروژن تبدیل می‌شود. در سطح راهبردی، IMEC در پی آن است که با کاهش وابستگی اروپا به مسیرهای شمالی و افزایش نقش کشورهای عربی در زنجیره تأمین انرژی، امنیت عرضه انرژی را در بلندمدت تقویت کند و زمینه‌ساز گذار به اقتصاد کم‌کربن در هر سه منطقه مشارکت‌کننده شود.

در بُعد ژئوپلیتیک، IMEC بازتابی از جابه‌جایی قدرت در نظام بین‌الملل است. این طرح، پاسخی مستقیم به وابستگی تاریخی اروپا به روسیه و به‌طور غیرمستقیم، به سلطه چین بر مسیرهای تجاری شرق-غرب از طریق «کمربند و جاده» است. در واقع، با محوریت هند و حمایت ایالات متحده، اروپا و بازیگران میانه‌رو خاورمیانه، IMEC در صدد ایجاد یک بلوک ژئواکونومیک جدید است که توازن نفوذ را از مسیرهای آسیای مرکزی و روسیه به محور خلیج فارس و مدیترانه تغییر دهد. از این منظر، انرژی تنها کالایی برای مبادله نیست، بلکه ابزار بازآرایی قدرت و بازتعریف وابستگی متقابل میان جنوب و شمال جهانی است.

با وجود چشم‌انداز بلندمدت و پتانسیل اقتصادی چشمگیر، IMEC با مجموعه‌ای از چالش‌های پیچیده روبه‌رو است. نخست، بی‌ثباتی ژئوپلیتیکی در خاورمیانه - به‌ویژه تنش‌های ایران، اسرائیل و مناقشه غزه - تهدیدی مستقیم برای امنیت فیزیکی زیرساخت‌های انرژی و مسیرهای ترانزیتی است. دوم، هماهنگی نهادی و مالی میان شرکای متعدد، از هند و عربستان گرفته تا اتحادیه اروپا، مستلزم چارچوب حکمرانی و تأمین مالی منسجم‌تری است که هنوز به‌طور کامل شکل نگرفته است. از سوی دیگر، رقابت راهبردی با چین و مسیرهای جایگزین نظیر «کریدور شمال-جنوب» می‌تواند جریان سرمایه و اولویت‌های سیاسی را دچار نوسان کند. افزون بر آن، دستیابی به اهداف اقلیمی در چارچوب پروژه مستلزم سرمایه‌گذاری عظیم در انرژی‌های پاک و فناوری‌های سبز است که تحقق آن بدون حمایت مؤثر بخش خصوصی و نهادهای چندجانبه دشوار خواهد بود. در نهایت، موفقیت IMEC به میزان توانایی کشورهای مشارکت‌کننده در تبدیل این طرح از یک «نقشه ژئوپلیتیک» به یک زنجیره ارزش پایدار انرژی و تجارت بستگی دارد؛ زنجیره‌ای که اگر درست مدیریت شود، می‌تواند یکی از ستون‌های اصلی نظم اقتصادی جدید اوراسیا باشد.

کریدور IMEC نشان‌دهنده تلاقی بلندپروازی‌های ژئوپلیتیکی و عمل‌گرایی اقتصادی است و رقابت مداوم برای نفوذ از طریق پروژه‌های زیرساختی انرژی را در خود تجسم می‌بخشد. با بررسی روند توسعه و پیامدهای راهبردی IMEC آشکار می‌شود که در چشم‌انداز ژئوپلیتیکی معاصر انرژی، زیرساخت‌ها هم به‌عنوان مسیر انتقال منابع و هم به‌عنوان ابزار دیپلماسی ایفای نقش می‌کنند.



با وجود چالش‌ها، این کریدور پیوند پیچیده میان انرژی و ژئوپلیتیک را نشان می‌دهد و بر این نکته تأکید دارد که کشورها چگونه از توسعه زیرساخت‌ها برای تقویت موقعیت راهبردی خود در صحنه جهانی بهره می‌گیرند.

مآخذ:

۱. *IMEC – A Corridor for Peace and Regional Stability*, www.besacenter.org, May 13, 2025
۲. *The India - Middle East – Europe Economic Corridor: A Catalyst for Regional Integration and Global Prosperity*, www.kas.de, June 2025
۳. *India-Middle East-Europe, Economic Corridor (IMEC)*, www.ris.org.in, March 2025
۴. *Integrating the EU's hinterland through IMEC*, www.orfonline.org, Aug ۲۶, ۲۰۲۵
۵. *It is Europe's time to shine on IMEC*, www.atlanticcouncil.org, May ۲۹, ۲۰۲۵



-
٦. *Our New Path to Sustainability: The IMEC Peace Triangle*, www.ecopeaceme.org, July 16, 2025
 ٧. *India-Middle East-Europe Economic Corridor: A Strategic Energy Alternative*, www.erl.scholasticahq.com, March 16, 2025
 ٨. *The India-Middle East-Europe Economic Corridor Connectivity in an era of geopolitical uncertainty*, www.atlanticcouncil.org, August 27, 2025
 ٩. *What's needed to unlock the power and promise of IMEC*, www.atlanticcouncil.org, August 22, 2025